

اندیشه‌های

# زرتشت

پیامبر ایرانیان

درباره‌ی مرگ

درباره‌ی چالوسان

درباره‌ی قدرت طلبی و شهوت پرستی

درباره‌ی غرور و افتخار

درباره‌ی شاعران و آزادی

درباره‌ی شادی و خوشبختی

درباره‌ی عشق و دوستی

درباره‌ی گاتها (سرودهای زرتشت)

درباره‌ی زرتشت

از زرتشت تا زرتشتی‌گری

سرود مزدیسنا

اندیشه‌های  
زرتشت  
پیامبر ایرانیان

مهدی داودی



انتشارات سایه‌نما

داودی، مهدی، ۱۳۵۹ -

اندیشه‌های زرتشت پیامبر ایرانیان/ مهدی داودی. - تهران: سایه‌نیم، ۱۳۸۳.  
۱۵۹ ص.

ISBN: 964-95590-6-X ریال ۱۵۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. زرتشت، پیامبر ایرانی - تعالیم. ۲. زرتشت، پیامبر ایرانی - کلمات قصار. ۳.  
زرتشتی، الف. الف. عنوان.

۲۹۵

BL ۱۵۷۵/د۲ الف ۸

۴۱۵۸۵-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات سایه‌نیم

اندیشه‌های زرتشت پیامبر ایرانیان

مهدی داودی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: محمد نجفی؛ لیتوگرافی و چاپ: طیف‌نگار

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴؛ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه؛ قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

شابک: X-۶-۹۵۵۹۰-۹۶۴ ISBN: 964-95590-6-X

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۵۱۳۷۶۲۶-۶۶۹۷۰۷۱۶

## فهرست

|    |       |                                   |
|----|-------|-----------------------------------|
| ۳  | ..... | سرود مزدیسنا                      |
| ۷  | ..... | مقدمه                             |
| ۱۵ | ..... | بخش نخست                          |
| ۱۵ | ..... | از زرتشت تا زرتشتی‌گری            |
| ۲۵ | ..... | بخش دوم                           |
| ۳۵ | ..... | درباره‌ی زرتشت                    |
| ۵۱ | ..... | بخش سوم                           |
| ۵۱ | ..... | درباره‌ی گاتها (سروده‌های زرتشت)  |
| ۵۵ | ..... | بخش چهارم                         |
| ۵۵ | ..... | سخنان زرتشت درباره‌ی سه الگوی نیک |

- ۵۵ ..... «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک»
- ۷۶ ..... درباره‌ی عشق و دوستی
- ۱۲۱ ..... بخش پنجم
- ۱۲۱ ..... سوء تعبیر از ثنویت اخلاقی زرتشت که مُنجر
- ۱۲۱ ..... به خطایِ دوخدایی شده است
- ۱۳۳ ..... پی‌نوشت‌ها

چو یک چندگاهی برآمد بر این  
درختی پدید آمد اندر زمین  
از ایوان «گشتاسب» تا پیش کاخ  
درختی گشن بیخ و بسیار شاخ  
همه برگ او پند و بارش خرد  
کسی کو چنان بر خورد کی مُرد؟  
خجسته پی و نام او «زرد هُشت»  
که اهریمن بدکنش را بکشت...

ابومنصور محمد بن احمد دقیقی

### مقدمه

موضوع این کتاب، چنانکه از نام آن پیدا است، بحث در پیرامون سخنان و اندیشه‌های زرتشت، مبلغ خرد مزدایی در ایران پیش از اسلام است، اما برای دستیابی به این مقصود راه همواری در پیش نیست. در واقع آنچه که تحقیق درباره‌ی آموزه‌های زرتشت را دشوار ساخته تحریف و تحقیر این آیین از سوی موبدان دولتی و منفعت طلبانِ درباری در طول دوره‌های متمادی بوده است که در فاصله‌ی چند نسل از هنگامه‌ی حکومت هخامنشیان تا امپراتوری ساسانیان کیشی دیگر آفریدند، تا جایی که از تفکرات و اخلاقیات زرتشت فرسنگها دور بود. روح لطیف و آرامش طلب زرتشت که هیچگاه در پی تحمیل اندیشه‌اش با جنگ و خشونت نبوده است

در سراسر «گانه‌ها» (سروده‌ها) چون ستاره‌ای درخشان و طنّاز جلوه می‌نماید.

«آن کسی که برای پیروان راستی

آزادگان و پیشوایان و کشاورزان و شبانان

خواستار نیکی و شادکامی باشد

سرانجام روزی به منش نیک (جهان مینوی)

راه خواهد یافت.» [پسنا، هات ۳۳، بند ۳]

بعضی از اندیشمندان معتقدند که ستایش اهورا (خدا) ثمره‌ی نبوت

زرتشت نبود زیرا تا آنجایی که از رفتار و منش ایرانیان باستان خصوصاً نژاد

آریانی [شعبه‌ی ایرانی آن] استنباط می‌شود ایشان هیچگاه پروسه‌ی

توتیمیزم (شی‌ءپرستی) را پشت سر نگذاشته‌اند. آنچه که از منابع ناقص در

باب پژوهش در این مقطع زمانی به دست می‌آید این است که آریاها هنگام

عزیمت از سرزمین اولیه‌شان، «آریان و یوچَه»<sup>۱</sup> به فلات ایران، اهورا را

به عنوان یکی از ایزدان، در کنار سایر فرشتگان پرستش می‌کردند. قدرت

زرتشت، در برتری دادن و اثبات حقانیت اهورا در بین دیگر ایزدان بود. او نه

تنها عناصر دیگر چون، اناهیتا، مهر و غیره را رد نکرد بلکه آنها را در مرحله‌ی پایین‌تری از تفکر مزدایی به خدمتگذاری این آیین گمارد.

همان‌طور که می‌دانیم هر کدام از این عناصر بخشی را در اوستا برای خود اختصاص داده‌اند چون؛ مهریشت و آبان‌یشت که به ترتیب در ستایش از مهر و آردویسور اناهیتا (رود نیرومند پاک) آمده‌اند.

زرتشت در ابداع نیروهایی برای اجرای فرمان اهورا که بعداً نام آنها را امشاسپندان<sup>۲</sup> گذاشت تلاش زیادی کرد. هر کدام از این یاران نیک، مفهومی داشتند که بشر برای درست زندگی کردن به آنها نیازمند بود. و همین به معنی اندیشه‌ی نیک، آردیبهشت؛ بهترین پاکی، شهریور؛ نیروی شهر یاری، سپندار مَرَد؛ مهر و فروتنی، خورداد؛ تندرستی و رسایی، و اَمرداد به مفهوم بی‌مرگی و جاودانی که امروزه به غلط آن را مُرداد (به معنای مرگ و میر) تلفظ می‌کنند. اما همین سخنان و آیین صلح طلبانه‌ی زرتشت نیز متحمل دگر دیسی اجباری تاریخ می‌شود، عوامل و رویدادهایی کمر به مُنحط کردن این مَرام می‌بندند که در این خصوص در بخش نخست (از زرتشت تا زرتشتی‌گری)

سعی کرده‌ام به صورت خلاصه این عوامل و وقایع تاریخی را آنگونه که در محکمه‌ی تعقل و وجدان انسان مورد پسند باشد تشریح نمایم. بحث من در این کتاب مختصر، تبلیغ و ترویج منشی خاص نیست، آنچه هویدا است به عهده‌ی قضاوت مُنصفانه‌ی مخاطب است تا اندیشه‌ی ناب و واقعی زرتشت را در هاله‌ای از موهومات و خرافات‌ها باز شناسد و آن را ارج نهد که مطمئناً هدف من نیز چیزی غیر از این نیست. در کل، متن حاضر شامل سه بخش عمده است: بخش اول تحت عنوان «از زرتشت تا زرتشتی‌گری» آمده است که در آن هم‌کاوشی اجمالی در اندیشه‌های پیام‌آور ایرانی صورت پذیرفته و هم فاصله‌ی این نگرش‌ها با آنچه که بعدها تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی «زرتشتی‌گری» نام گرفت نشان داده شده. فاصله‌ای که در طول اعصار متمادی، قسمت‌های ناب تفکر مزدایی را در زیرآواری از ابداعات و ابهامات مدفون کرد و باعث آن شد تا امروزه تفسیری غیر از آنچه که بوده از این مسلک داشته باشند.

در این بین محققین، به طُرُق مختلف و با لفظ‌های متفاوت، بیگانگان و

حوادث سیاسی چون حمله‌ی اعراب، مغول‌ها، ترک‌ها و غیره را علت اصلی این تغییر اندیشه می‌دانند. خصوصاً گروه‌های شونیستی که هیچگاه به انتقاد از خود نمی‌پردازند و همیشه مشکلات و خرابکاری‌ها را به گردن عاملی خارجی انداخته‌اند. در صورتی که پیش از حمله‌ی اعراب به ایران، آیین زرتشت به خاطر تلفیق آن سیاست درباری و فساد دستگاه دینی مَغ‌ها کاملاً تضعیف شده بود. کسانِ دیگری هم که در این مقوله پاسخ گفته‌اند چون از متولیان و مبلغان این کیش بوده‌اند در نتیجه‌ی تقدس‌مآبی، خشک ذهنی و وابسته بودنشان به قدرت سیاسی مرکزی، تیزبینی تاریخی خود را از دست داده‌اند که این امر نه به نفع زرتشت بوده است نه به سود هواداران وی که از او شخصیتی جدای از آنچه بوده متصور می‌شوند.

کوتاه سخن آنکه سرتاسر اندیشه‌ها و سخنان پیام‌آور گویای راستکرداری، شادی، آزادگی و مردانگی نیاکان آزاده‌ی ما و روشن‌بینی ایشان نسبت به همه‌ی پدیده‌های گیتی است. در این آیین، هورمزد نه خدای ترحم و شفاعت است و نه خدای قهر و خشم، بلکه خدای پاکی و

راستگویی است. زنان در هنگامه‌ی زندگی همتلاش مردانند و زرتشت همه جا در کنار نام مردان از زنان نیز نام می‌برد. برخورداری از زنان فرهیخته و زیباروی یکی از پاداش‌های دنیوی محسوب می‌شود که در بسیاری از بندهای اوستا باز گفته می‌شود، درست بر خلاف آنچه «نیچه» از زبان زرتشت در کتاب خویش (چنین گفت زرتشت) بیان می‌دارد. ویلهلم نیچه، نویسنده‌ی شهر آلمانی در صفحه‌ی ۹۴ این کتاب از قول زرتشت آورده است: «هنگامی که پیش زنان می‌روی شلاق خود را فراموش نکن!» که این سخن، دیگر از محالات و قوه‌ی تخیل آن فیلسوف است که بقول «هاشم رضی» از زرتشت تنها به عنوان وسیله‌ای برای ابزار اندیشه‌ی خویش استفاده کرده، آن هم از کسی که بخش عظیمی از اوستا (آبان یشت) را در ستایش از بانوی آب‌ها - در هیبت پر فروغ زنی مهربان و تأییدکننده‌ی نیکان - اختصاص داده است. و در واقع همه‌ی قهرمانان و حتی بدکرداران و کژاندیشان برای مشروعیت قدرت خویش نزد او می‌روند و خواهان هوم زرین (نوشابه‌ی مقدس) می‌شوند. هر چند همین هوم در سروده‌های زرتشت

هات ۳۲، بند ۱۴] به عنوان شربتی سکرآور تکفیر و در آبان یشت [کرده‌ی یک، بند ۹] ستایش می‌شود که باز می‌شود گفت همین هم نتیجه‌ی تحریف و دگرگونی اجباری سخنان پیام‌آور است که بعید نیست توسط مَغ‌ها دست کاری شده باشند اما با این حال این امر را ثابت می‌کند که زن در ایران باستان از ارزش و اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. اما بخش دوم این کتاب حاوی سخنانی از فرزندگان و اندیشمندان بزرگ تاریخ درباره‌ی اهمیت سروده‌های زرتشت و دستاوردهای ایرانیان است که نشانگر بسط و نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی است.

در بخش سوم، سخنی پیرامون گاتها (سروده‌های زرتشت) به میان می‌آید.

و بخش چهارم، مجموعه‌ای از موعظه‌ها، سخنان و سروده‌های خود زرتشت و تفاسیر مختلف درباره‌ی عقاید او است. که در موضوعات متفاوتی طبقه‌بندی شده‌اند. اما موضوع بخش پنجم، سوء تعبیر از ثنویت اخلاقی زرتشت است که مُنجر به خطای دو خدایی شده است، چنانچه مفصل در

مورد آن سخن گفته می‌شود.

در آخر از رفقای گرانقدر دکتر محمد کلهر و آقای حسن ساسانی و دیگر سرورانی که در تهیه و گردآوری مطالب، یاری‌ام کرده‌اند کمال تشکر را دارم و بی‌صبرانه انتظار روزی را خواهم کشید که از اوستا و دیگر گنجینه‌های ملی و باستانی خودمان نه به عنوان افتخارنامه‌ی نژادی و قومی، بلکه به عنوان سرود اصالت و همبستگی نوع بشر در راه کسبِ فرزاندگی و آزادگی یاد کنیم. امید که این سطور، اگرچه افشاگر بضاعت علمی اندک نگارنده است اما نمایانگر تلاش ناقابل وی در احیای تعهد فرهنگی‌اش نسبت به زرتشت واقعی [فرزانه‌ی آریایی] باشد که بی‌گمان مشغله‌ی ذهنی و روحی هر ایرانی مشتاق به فرهنگ پارسی است.

مهدی داودی

آبان‌ماه ۱۳۸۳